
بسم الله الرحمن الرحيم

شرح جامع

برنامه ریزی ناحیه ای و روستایی (مبانی و ایران)

«علوم جغرافیایی»

مولف: چیا نیازی

انتشارات ارشد

پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که درحوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس(منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست نایافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می شدند، که خدشه‌ای بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزهٔ آزمون‌های سراسری – آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رقمی کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آیید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشـــــر

www.arshadbook. ir

پیشگفتار مؤلف

کتاب حاضر از شش بخش که هر کدام موضوعات و تست‌های اساسی درس برنامه‌ریزی ناحیه‌یی و روستایی را پوشش می‌دهد، تشکیل شده است. مقایسه‌ی به عمل آمده بین محتوای کتاب و مجموعه سؤالات آزمون سراسری سال‌های قبل حاکی از آن بوده که این کتاب بیش از ۹۰ درصد سؤالات یاد شده را تحت پوشش قرار داده است. روی هم رفته این کتاب متشکل از شش منبع و مأخذ بسیار مهم می‌باشد و می‌تواند به عنوان یک کتاب مرجع برای داوطلبان ورود به کارشناسی ارشد رشته‌های "جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری" و "جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی" مورد استفاده قرار گیرد.

مؤلف ادای دین به آموزگاران اصلی خود که برای نخستین بار ارزش انسانی زیستن را به او شناساندند، پیوسته بر دوش خواهد داشت؛ به همین سبب این کتاب را به مهربانی‌های همیشگی پدر و مادر خود تقدیم می‌دارد.

در خاتمه ضرورت دارد از انتشارات ارشد که با راهنمایی‌های مدبّرانه بر کیفیت و کارآیی کتاب به طور چشمگیر افزودند سپاسگزاری نماید. امید است کتاب حاضر کاربرد مناسبی برای دانشجویان و خوانندگان عزیز داشته باشد و مورد قبول واقع گردد.

با سپاس

چیانیازی

فهرست مطالب

عنوان ..... صفحه

بخش اول: اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌یی

فصل اول: مباحث مقدماتی ۱۲
خلاصه‌ی فصل ۲۲
تست‌های آخر فصل ۲۳
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۴
فصل دوم: مباحث اصلی ۲۵
خلاصه‌ی فصل ۳۱
تست‌های آخر فصل ۳۲
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۳
فصل سوم: مفهوم برنامه‌ریزی ناحیه‌یی ۳۴
خلاصه‌ی فصل ۴۳
تست‌های آخر فصل ۴۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۴۵
فصل چهارم: سابقه و ضرورت برنامه‌ریزی ناحیه‌یی در جهان ۴۶
خلاصه‌ی فصل ۵۱
تست‌های آخر فصل ۵۲
پاسخ تست‌های آخر فصل ۵۳
فصل پنجم: اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌یی ۵۴
خلاصه‌ی فصل ۵۷
تست‌های آخر فصل ۵۸
پاسخ تست‌های آخر فصل ۵۹
فصل ششم: روش تجزیه و تحلیل جمعیت در برنامه‌ریزی ناحیه‌یی ۶۰
خلاصه‌ی فصل ۶۳
تست‌های آخر فصل ۶۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۶۵
فصل هفتم: روش‌های تعیین مکان بهینه ۶۶
خلاصه‌ی فصل ۷۰
تست‌های آخر فصل ۷۱
پاسخ تست‌های آخر فصل ۷۳

عنوان ..... صفحه

بخش دوم: اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی

فصل اول: کلیات ۷۵

خلاصه‌ی فصل ۷۷

تست‌های آخر فصل ۷۸

پاسخ تست‌های آخر فصل ۷۹

فصل دوم: توسعه و انواع آن ۸۰

خلاصه‌ی فصل ۸۲

تست‌های آخر فصل ۸۳

پاسخ تست‌های آخر فصل ۸۴

فصل سوم: توسعه‌ی روستایی ۸۵

خلاصه‌ی فصل ۸۸

تست‌های آخر فصل ۸۹

پاسخ تست‌های آخر فصل ۹۰

فصل چهارم: شاخص‌های توسعه‌ی روستایی در برنامه‌ریزی ۹۱

خلاصه‌ی فصل ۹۴

تست‌های آخر فصل ۹۵

پاسخ تست‌های آخر فصل ۹۶

فصل پنجم: مفاهیم و تعاریف برنامه‌ریزی روستایی ۹۷

خلاصه‌ی فصل ۹۹

تست‌های آخر فصل ۱۰۰

پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۰۱

فصل ششم: جایگاه روستا در تئوری مکان‌های مرکزی ۱۰۲

خلاصه‌ی فصل ۱۰۵

تست‌های آخر فصل ۱۰۶

پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۰۷

فصل هفتم: تئوری‌های عام رشد و توسعه ۱۰۸

خلاصه‌ی فصل ۱۱۴

تست‌های آخر فصل ۱۱۵

پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۱۶

فصل هشتم: مسائل جمعیتی و توسعه‌ی روستایی ۱۱۷

خلاصه‌ی فصل ۱۲۱

تست‌های آخر فصل ۱۲۲

پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۲۳

عنوان ..... صفحه

فصل نهم: کشاورزی و اقتصاد ملی ۱۲۴
خلاصه‌ی فصل ۱۲۵
تست‌های آخر فصل ۱۲۶
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۲۷
فصل دهم: تمرکززدایی و برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی ۱۲۸
خلاصه‌ی فصل ۱۳۰
تست‌های آخر فصل ۱۳۱
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۳۲
فصل یازدهم: نظام مراکز روستایی و برنامه‌ریزی فضایی (آمایش) ۱۳۳
خلاصه‌ی فصل ۱۳۷
تست‌های آخر فصل ۱۳۸
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۳۹
فصل دوازدهم: تهیه‌ی طرح‌های روستایی مبتنی بر سلسله مراتب ۱۴۰
خلاصه‌ی فصل ۱۴۳
تست‌های آخر فصل ۱۴۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۴۵
فصل سیزدهم: چارچوب مکانی برای برنامه‌ریزی چند سطحی ۱۴۶
خلاصه‌ی فصل ۱۵۰
تست‌های آخر فصل ۱۵۱
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۵۲

بخش سوم: مقدمه‌یی بر جغرافیای روستایی ایران

فصل اول: نگاهی به گذشته‌ی روستاها در ایران ۱۵۴
خلاصه‌ی فصل ۱۵۷
تست‌های آخر فصل ۱۵۸
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۵۹
فصل دوم: گروه‌بندی روستاها به منظور بررسی‌های جغرافیای روستاها ۱۶۰
خلاصه‌ی فصل ۱۶۴
تست‌های آخر فصل ۱۶۵
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۶۶
فصل سوم: اصلاحات ارضی ۱۶۷
خلاصه‌ی فصل ۱۷۴
تست‌های آخر فصل ۱۷۵
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۷۶

عنوان ..... صفحه

فصل چهارم: نهادهای اداری، اجتماعی و اقتصادی در روستاهای کشور ۱۷۷
خلاصه‌ی فصل ۱۸۸
تست‌های آخر فصل ۱۹۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۱۹۱
فصل پنجم: ویژگی‌های جمعیتی روستاهای ایران ۱۹۲
خلاصه‌ی فصل ۱۹۸
تست‌های آخر فصل ۱۹۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۰۰
فصل ششم: منابع آب روستاهای ایران ۲۰۱
خلاصه‌ی فصل ۲۰۴
تست‌های آخر فصل ۲۰۵
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۰۶
فصل هفتم: اقتصاد روستایی ۲۰۷
خلاصه‌ی فصل ۲۱۲
تست‌های آخر فصل ۲۱۳
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۱۴

بخش چهارم: برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران

فصل اول: تعاریف و اهمیت برنامه‌ریزی روستایی ۲۱۶
خلاصه‌ی فصل ۲۱۸
تست‌های آخر فصل ۲۱۹
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۲۰
فصل دوم: روستا و روستا نشینی در ایران ۲۲۱
خلاصه‌ی فصل ۲۲۳
تست‌های آخر فصل ۲۲۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۲۵
فصل سوم: تاریخچه‌ی برنامه‌ریزی روستایی ۲۲۶
خلاصه‌ی فصل ۲۲۹
تست‌های آخر فصل ۲۳۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۳۱
فصل چهارم: دیدگاه‌ها و نظریه‌های توسعه‌ی روستایی ۲۳۲
خلاصه‌ی فصل ۲۳۷
تست‌های آخر فصل ۲۳۸
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۳۹

عنوان ..... صفحه
فصل پنجم: روش‌های برنامه‌ریزی ۲۴۰
خلاصه‌ی فصل ۲۴۳
تست‌های آخر فصل ۲۴۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۴۵
فصل ششم: روش‌های تعیین مراکز خدمات روستایی ۲۴۶
خلاصه‌ی فصل ۲۴۹
تست‌های آخر فصل ۲۵۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۵۱
فصل هفتم: برنامه‌ریزی صنایع روستایی ۲۵۲
خلاصه‌ی فصل ۲۵۴
تست‌های آخر فصل ۲۵۵
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۵۶
فصل هشتم: مدیریت جدید برای نوسازی روستایی ۲۵۷
خلاصه‌ی فصل ۲۵۹
تست‌های آخر فصل ۲۶۰
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۶۱

بخش پنجم: برنامه‌ریزی ناحیه‌یی

فصل اول: کلیات ۲۶۴
خلاصه‌ی فصل ۲۷۲
تست‌های آخر فصل ۲۷۱
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۷۲
فصل دوم: مفاهیم بنیادی در برنامه‌ریزی ناحیه‌یی ۲۷۳
خلاصه‌ی فصل ۲۹۰
تست‌های آخر فصل ۲۹۱
پاسخ تست‌های آخر فصل ۲۹۳
فصل سوم: اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌یی ۲۹۴
خلاصه‌ی فصل ۲۹۷
تست‌های آخر فصل ۲۹۸
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۰۰
فصل چهارم: برنامه‌ریزی ناحیه‌یی در ایران ۳۰۱
خلاصه‌ی فصل ۳۰۳
تست‌های آخر فصل ۳۰۴
پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۰۵

عنوان ..... صفحه

بخش ششم: مقدمه‌یی بر برنامه‌ریزی توسعه و روستایی در ایران

فصل اول: (اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران) ۳۰۷

خلاصه‌ی فصل ۳۱۱

تست‌های آخر فصل ۳۱۲

پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۱۴

فصل دوم: سابقه و سیر تحول برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران ۳۱۵

خلاصه‌ی فصل ۳۱۹

تست‌های آخر فصل ۳۲۰

پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۲۱

فصل سوم: مبانی نظری برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران ۳۲۲

خلاصه‌ی فصل ۳۲۷

تست‌های آخر فصل ۳۲۸

پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۲۹

فصل چهارم: نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی در ایران ۳۳۰

خلاصه‌ی فصل ۳۳۳

تست‌های آخر فصل ۳۳۴

پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۳۵

فصل پنجم: طرح‌های هادی و بهسازی سکونتگاه‌های روستایی ۳۳۷

خلاصه‌ی فصل ۳۳۹

تست‌های آخر فصل ۳۴۰

تست‌های آخر فصل ۳۴۲

فصل ششم: طرح‌های ساماندهی و فرایند برنامه‌ریزی توسعه‌ی نواحی روستایی ۳۴۳

خلاصه‌ی فصل ۳۴۶

تست‌های آخر فصل ۳۴۷

پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۴۹

فصل هفتم: مدیریت توسعه‌ی روستایی در ایران ۳۵۰

خلاصه‌ی فصل ۳۵۲

تست‌های آخر فصل ۳۵۳

پاسخ تست‌های آخر فصل ۳۵۵

بخش اول

اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌یی

عناوین اصلی

- فصل اول: مباحث مقدماتی
- فصل دوم: مباحث اصلی
- فصل سوم: مفهوم برنامه‌ریزی ناحیه‌یی
- فصل چهارم: سابقه و ضرورت برنامه‌ریزی ناحیه‌یی در جهان
- فصل پنجم: اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌یی
- فصل ششم: روش تجزیه و تحلیل جمعیت در برنامه‌ریزی ناحیه‌یی
- فصل هفتم: روش‌های تعیین مکان بهینه

فصل اول

مباحث مقدماتی

- سیاست استعماری اقتضا می‌کند که برنامه‌ریزی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته فقط نامی داشته باشد و عنوانی فعالیت کند نه محتوایی. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی فقط نمای نظام برنامه‌ریزی را داشته باشد و بسیار سطحی و قشری عمل کند، به همین دلیل با وجود این که بعضی از این کشورها از گهواره‌های تمدن بشر بوده‌اند، عملاً عقب مانده‌اند و نیازمند باقی می‌مانند هر چند که نهاد برنامه‌ریزی خوبی هم داشته باشند.
- لازمه‌ی طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ی ناحیه‌یی و منطقه‌یی، «داشتن نیروی انسانی ماهر» در سطح منطقه‌یی و ناحیه‌یی است.
- برنامه‌ریزی ناحیه‌یی در عمل همانند برنامه‌ریزی منطقه‌یی است، با این تفاوت که برنامه‌ریزی ناحیه‌یی در سطحی کوچک‌تر از منطقه انجام می‌گیرد. *برنامه‌ریزی ناحیه‌یی به عنوان ابزارهای عملی به ویژه در اجرا برای برنامه‌ریزی منطقه‌یی می‌باشد*، زیرا برای شناخت توان‌های بالقوه و بالفعل باید از سطح کوچک‌تر شروع نمود:

سطح منطقه = سطح استان سطح ناحیه = سطح شهرستان سطح محل = سطح بخش و کوچک‌تر (روستا)

این مفاهیم در ادبیات گذشته‌ی ایران بنا به ملاحظات اداری و فنی تعریف شده و منطبق بر استانداردهای بین‌المللی نیست. (تعاریف واژه‌های منطقه، ناحیه، محل یا برنامه، پروژه، فعالیت و طرح) .

برنامه : گاهنامه‌ی تصمیمات منظم براساس سلسله مراتب عملیات است (یا: هر فرایند دارای سلسله مراتب در یک ارگانیسم که بتواندنظم و ترادف اجرایی را کنترل کند.)

برنامه‌ریزی:

۱- جریان مستمر است.

۲- امری آگاهانه و دارای عزم و قصد است.

۳- سلسله فعالیت‌ها و اقداماتی است که باید در آینده صورت پذیرد.

۴- اهداف کمی باید مشخص شود.

دایره‌ی امور اقتصادی سازمان ملل متحد در ۱۹۵۱، چهار تعریف زیر را، که هر یک به شکلی در اغلب کشورهای جهان سوم کاربرد دارد، بیان می‌کند:

اول: برنامه‌ریزی تنها به تهیه‌ی برنامه‌یی برای هزینه‌های دولتی ملی دوره‌ی زمانی از یک سال تا ده سال اشاره دارد.

دوم: برنامه‌ریزی گاهی اوقات به تعیین هدف‌های تولیدی، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، بر حسب عوامل تولید اشاره دارد.

سوم : کلمه‌ی برنامه‌ریزی را می‌توان برای تشریح گزاره‌یی به کاربرد که هدف‌های کمّی کل اقتصاد را تعیین می‌کند و مقصود آن، تخمین تمام منابع کمیاب در میان رشته‌های گوناگون اقتصاد می‌باشد.

چهارم: این کلمه گاهی اوقات برای توصیف وسایلی استفاده می‌شود که دولت برای تحمیل هدف‌های از پیش تعین شده بر بخش خصوصی به کار می‌گیرد.

در برنامه‌ریزی باید «**فرایندهای اجرا**» در نظر گرفته شود تا کمبودهای نهایی مشخص بشود و اقدامات تطبیقی و تصحیحی به عمل آید.

تعاریف برنامه‌ریزی در محدوده‌ی اقتصاد کلان و اقتصاد خرد

۱. تهیه و تنظیم طرح جامع و کامل توسعه‌ی اقتصادی – اجتماعی، علمی، فنی و فرهنگی جامعه.

۲. تعیین وظایفی که در حیطه‌ی عمل و با ابتکار سازمان‌های تولیدی و غیرتولیدی به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

۳. اهرم اساسی مدیریت در سطوح مختلف که به‌طور مداوم تناسب و هماهنگی را در مراحل مختلف با تولید وسیع از لحاظ مکان، زمان و نوع فعالیت مشخص می‌کند.

۴. پلی بین آنچه دادیم و آنچه که می‌خواهیم به دست آوریم (تفکری قبل از عمل) .

۵. دادن اولویت به طرح‌های مختلف که در استراتژی توسعه‌ی ملی پیش‌بینی شده و یا انتخاب طرح جدیدی که بتواند برنامه را تنظیم کند.

تعریف کلی از برنامه‌ریزی: «روندی برای تغییر هدفمند و یک واکنش منظم و با قاعده که برای حل مسایل موجود در یک سیستم اجتماعی و دستیابی به یک سری اهداف جهت ایجاد دگرگونی و بهسازی آینده‌ی آن سیستم استفاده می‌شود.»

- **ضرب‌المثل «اول گز کن، بعد پاره کن»**، بیانگر «برنامه‌ریزی» می‌باشد (برنامه از پیش تعیین شده) .

مسئله برنامه‌ریزی یا فرایند برنامه‌ریزی شامل:

۱. مشخص کردن هدف‌ها

۲. انتخاب وسایلی که برای رسیدن به هدف‌ها به کار می‌رود.

۳. به کار بردن این وسایل.

در برنامه‌ریزی توسعه‌ی ملی در اقتصادهای مختلط این سه مرحله رسماً توسط سیاستمداران، ادارات مرکزی و دستگاه‌های اجرایی انجام می‌گیرد یعنی این سه مرحله لزوماً توسط یک شخص یا یک سازمان انجام نمی‌گیرد.

برنامه‌ریزی اقتصادی شامل کشاورزی، صنعتی و زیربنایی می‌باشد.

* **نظام برنامه‌ریزی عبارتست از:** «مکانیزم مشارکت نهادها و دستگاه‌های مختلف دولتی و غیر دولتی در روند تصمیم‌گیری‌های امور توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور.» چهار نوع از این سازمان‌ها را در کل می‌توان در اغلب کشورهای در حال توسعه‌ی جهان، از جمله ایران دید:

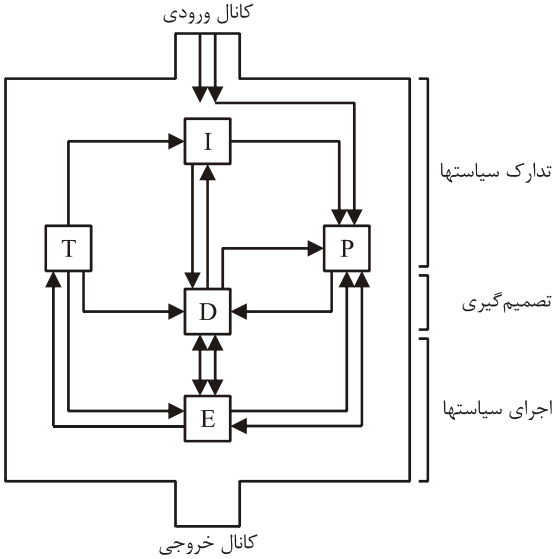
۱. سازمان برنامه‌ریزی (انواع کمیسیون‌ها، انستیتوها، دفاتر، شرکت‌های مشاوران و برنامه‌ریزی)

۲. سازمان تقویت کننده‌ی برنامه (پارلمان، دولت، دفاتر و مدیریت‌های مختلف مربوطه)

۳. سازمان اجرا کننده‌ی برنامه‌ها (وزارتخانه‌ها، تعاونی، کارگران و شاغلان سازمان‌های دولتی)

۴. سازمان نظارت بر اجرای برنامه‌ها (وزارتخانه‌های مربوطه، بانک‌ها، ادارات آمار و...)

نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌یی بر مبنای نظر «میسرا»



I: جمع‌آوری و تغییر و تبدیل اطلاعات (دستورالعمل‌های مربوط به هدف اولیه)

T: تدارک فنی برنامه (بازخورد در ارتباط با هدف‌های اولیه)

P: سازمان‌های سیاسی(دستورالعمل‌های مربوط به هدف‌های ثانوی)

D: سازمان‌های تصمیم گیرنده (بازخورد در ارتباط با هدف‌های ثانوی)

E: دستگاهای اجرایی

در نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌یی محور کار در سطح ملی : برنامه‌ریزی به منظور کاستن از تفاوت‌های منطقه‌یی از نظر توسعه.

در نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌یی محور کار در سطح پایین‌تر از سطح ملی: توسعه‌ی منابع هر منطقه به منظور اعتلا و بهبود کیفیت زندگی مردم (توسعه محیط زیست) .

در نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌یی محور کار در سطح محلی (سطح مناطق کوچک) : مشارکت همگانی، توسعه‌ی اجتماعی، اتکای به خود و توسعه‌ی منابع محلی.

ارکان اصلی یک برنامه

۱. هدف
۲. سیاست
۳. وسایل
۴. عمل و اجرا
۵. ارزشیابی

مفاهیم برنامه‌ریزی

۱. جریان و مداومت
۲. ارشاد و هدایت
۳. دورنگری و هدفگیری
۴. تفکر و عقلانیت

استراتژی: مجموعه خط مشی‌های کلی که راه رسیدن به هدف‌های غایی (آرزو و آمال...) را مشخص می‌سازد.

بعضی از مؤلفین، برنامه‌ریزی دراز مدت را کـه منجـر بـه دیـدن دورنمـای جامعـه مـی‌گـردد اصـطلاحاً «برنامـه‌ریـزی استراتژیک» گویند. هر برنامه‌ی توسعه باید درقالب و چارچوب یک برنامه‌ی استراتژیک تهیه و تدوین گردد.

سیاست‌ها در برنامه: عبارتست از مجموعه معیارها و تدابیر قانونی، فنـی، اجرایـی، پـولی، مـالی و.... کـه اتخـاذ آن‌هـا موجبات تسهیلات لازم جهت تحقق هدف‌های برنامه را فراهم می‌سازد.

اهداف برنامه: در برنامه‌ریزی توسعه، هدف عبارتست از مجموع خواست‌های نهایی جامعه، اعم از اقتصادی، اجتمـاعی و یا فرهنگی که منبعث از نظام ارزش‌های حاکم برجامعه است. هر هدف کلی به هدف‌هایی جزئی‌تر تقسیم می‌گردد کـه آن را «هدف‌های فرعی» می‌گویند و به دو دسته هدف‌های کمّی و هدف‌های کیفی تقسیم می‌شود.

مدل برنامه‌ریزی: مدل ریاضی (نظیر مدل داده ستانده یا برنامه‌ریزی کلانی) به منظور نشان دادن سیر صعودی و بیان کمّی و ویژگی‌های عمده‌ی ساخت اقتصادی یک کشور به خصوص، طراحی می‌گردد. «مدل‌های برنامه‌ریزی» اساس کمّـی و تحلیل اغلب برنامه‌های توسعه‌ی ملی و منطقه‌یی را فراهم می‌کند. اولین و مقدماتی‌ترین مدل برنامه‌ریزی، که تقریباً در هـر کشور در حال توسعه‌یی به کار گرفته می‌شود، **«مدل رشد کلی»** است. این مدل کل اقتصاد را بر حسب دسته‌ی محـدودی از متغیرهای کلان اقتصادی، که در تعیین سطح و نرخ رشد تولید ملی نقشی بس حساس دارند، در بر می‌گیـرد. مـدل‌هـای **رشد کلی** روش مناسبی برای پیش‌بینی رشد تولید ملی یک دوره‌ی ۳ تا ۵ ساله به دست می‌دهد. تقریباً کلیه‌ی این مدل‌ها به نوعی شبیه مدل اساسی، **هارود- دومار** است.

شرایط برنامه‌ریزی

۱. شرایط اجرای برنامه فراهم شود

۲. در آن آهنگ توسعه، سریع و تبعیت این توسعه نه از بهره بلکه از نیازهای واقعی انسان‌ها و جامعه باشد.

۳. یکی دیگر از مهم‌ترین شرایط برنامه‌ریزی عملی آن است که در آن تصمیمات نهایی به ویـژه در مـسائلی کـه بـه طـور مستقیم به آن‌ها مربوط است به عهده تولید کنندگان باشد، که اگر همکاری و مشارکت تولیدکنندگان در تهیه و تـدوین برنامـه و اجرای آن فراهم نباشد، در این صورت برنامه‌ریزی حاصل کار جمعی نخواهد بـود و نمـی‌توانـد همـه‌ی امکانـات و تـوان‌هـای بالقوه‌ی اقتصادی و اجتماعی را به کار اندازد و نیز نمی‌تواند تحولی در وضع اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ی مورد نظر پدید آورد

مراحل برنامه‌ریزی

۱. مرحله‌ی برنامه‌ریزی

۲. مرحله‌ی اجرایی

۳. مرحله‌ی کنترل و ارزیابی

هریک از این مراحل سه گانه، خود به سه بخش فرعی (تنظیم، اجرا و کنترل) تقسیم می‌شود این روش امکان می‌دهد تا بتوان چگونگی پیشرفت برنامه و به طور کلی نتایج مثبت و منفی برنامه‌ریزی را ارزیـابی کـرد و همچنـین در ایـن مرحلـه است که مدیریت، اطلاعات لازم را درباره‌ی اختلاف بین برنامه‌ی تنظیم شده و آنچه که عملاً از اجرای برنامه به عمل آمده و همچنین علل موفقیت و عدم موفقیت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و ارزیابی می‌کند. ایـن شـناخت و کـاربرد آن در بهبود و بالا بردن کیفیت برنامه‌ریزی اثر قابل توجه به جا می‌گذارد زیرا یک برنامه‌ریزی علمـی بایـد در برگیرنـده‌ی مراحـل اجرایی، کنترل و ارزیابی باشد.

- در قالب چار چوب «برنامه‌ریزی عمومی»، برنامه را می‌توان بر حسب اهداف، شرایط موجود جامعه، مقاصد برنامه‌ریزان، چگونگی اجرا و... به انواع گوناگون تقسیم کرد.
- طول برنامه‌ی میان مدت به گونه‌یی است که اجرای برنامه به گونه‌یی باشد که بتوان در یک حداقل مدت، برنامه را با دقت بیشتری پیش‌بینی و ارزیابی نمود و از طرف دیگر طول مدت آن قدر باشد که دوره‌ی اجرای طرح را شامل شود.

انواع برنامه‌ریزی از نظر مدت اجرا

الف) برنامه‌ی دراز مدت: طول این برنامه غالباً **بیش از ده و پانزده سال** می‌باشد که در این برنامه، زمینه‌ی اجرای برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت آماده می‌شود. در برنامه‌ریزی دراز مدت و اصلی عواملی که موجب تغییرات مقطعی و سریع می‌شود، در نظر گرفته نمی‌شود و عواملی مورد نظر است که اثر آن‌ها در بلندمدت ظاهر می‌شود و می‌توان آن را با اطمینان قابل قبولی برآورد نمود. در برنامه‌ریزی دراز مدت، **مسیرکلی رسیدن به اهداف** نهایی جامعه، روشن می‌شود و دورنمای آینده‌ی وضع اقتصادی و اجتماعی تعیین می‌گردد. تحقق برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت، رسیدن به اهداف برنامه‌ی دراز مدت را آسان‌تر می‌کند.

ب) برنامه‌ی میان مدت: بین ۴ تا ۷ سال می‌باشد. ویژگی‌های این برنامه عبارتست از:

۱. بهره‌دهی بسیاری از پروژه‌های صنعتی و ساختمان قبلی را در برمی‌گیرد.

۲. مدت آن آنقدر طولانی است که نوسانات تولیدات کشاورزی و بعضی نوسانات دوره‌یی اقتصاد را سرشکن می‌کند.

۳. طول مدت آن قدر کوتاه است که پیش‌بینی و فرافکنی قابل قبول را در برمی‌گیرد.

۴. گرایش کلی در این برنامه تأکید بر روی بنیانهایی است که در آن، **آبادانی کشور نقش اساسی** دارد. این برنامه‌ریزی باید هماهنگ با برنامه‌ی بلندمدت باشد و انجام آن، قسمتی از برنامه‌ی بلندمدت را تحقق بخشد. «برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی – اجتماعی و فرهنگی ایران، جزو برنامه‌های میان مدت بوده و ۵ ساله است».

۳) برنامه‌ی کوتاه مدت: حداکثر ۱ تا ۲ سال است؛ دراین برنامه چگونگی اجرای سیاست‌های دولت مرکزی مشخص می‌شود و سیاست‌های اتخاذ شده دراین دوره را سیاست‌های کوتاه مدت گویند. این نوع برنامه‌ها معمولاً عملی‌تر و دقیق‌تر است چون به تحقق نزدیک‌تر است و قابلیت اطمینان بیشتری دارد. در این برنامه غالباً روابط ثابت به نظر می‌رسد و برنامه‌ریزی سالانه، اصولاً «**برنامه‌ریزی عملیاتی**» است که جزئی از برنامه‌های میان مدت و بلندمدت می‌باشد و کاملاً متناسب با آن‌ها. اجرای آن، قسمتی از دو نوع برنامه‌ریزی میان و بلندمدت را تحقق می‌بخشد.

* برنامه‌ی اول توسعه‌ی اجتماعی – اقتصادی کشور، ابتدا برای سال‌های ۱۳۵۷ – ۱۳۶۲ تدوین شده بود ولی به علت **جنگ تحمیلی** انجام و تصویب نشد و در سال‌های ۱۳۶۸ – ۱۳۷۲ اولین برنامه اجرا شد.

انواع برنامه‌ریزی از لحاظ گستردگی و وسعت انجام برنامه یعنی از نظر حوزه‌ی شمول برنامه

الف) برنامه‌ریزی جامع (یکپارچه) : وسعت عمل آن بسیار زیاد است به گونه‌یی که آن را «**کامل‌ترین برنامه‌ریزی توسعه**» می‌دانند. در برنامه‌ریزی جامع، هدف‌های نهایی و سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی متفاوت و برآوردهای مالی و نیروی انسانی و... انجام می‌گیرد. در این برنامه کلیه‌ی متغیرهای دورن‌زا و برون‌زا و بخش‌های تولیدی و غیرتولیدی مورد توجه قرار می‌گیرد. موقعیت برای برنامه‌ریزی جامع، زمانی آماده می‌شود که با توسعه‌ی بیشتر فعالیت مورد نظر، جمع‌آوری اطلاعات و آمار صحیح‌تر و دقیق‌تر و متنوع‌تر و استفاده‌ی بیشتر از روش‌های پیچیده‌ی برنامه‌ریزی روبرو باشیم. برخورد جامع با برنامه‌ریزی، یک «**برخورد سیستمی**» است و می‌توان کاملاً از یک دید **اقتصاد سنجی**، برنامه‌ریزی جامع را تهیه

نمود. در برنامه‌ریزی جامع از آمار و تسهیلات کامپیوتری برای به کارگیری فنون پیچیده‌ی برنامه‌ریزی استفاده می شود. از خصوصیات این برنامه این که دو دیدگاه «**اقتصادی – اجتماعی و فضایی**» را شامل می‌شود و برنامه‌ریزی کلیی است که می‌تواند به برنامه‌ریزی تفضیلی نیز تبدیل شود. این برنامه‌ریزی، «بلندمدت» و به صورت متمرکز و غیرمتمرکز یعنی برنامه‌ریزی از بالا به پایین و برنامه‌ریزی از پایین به بالا (برای تدوین پروژه‌های عمرانی) تدوین می‌شود **لئونتیف** می‌گوید «این برنامه را می‌توان به مشابه یک زمینه‌یابی تفصیلی و نظام یافته از اقتصاد در دوره‌ی برنامه و به مثابه یک نظام متشکل از اجزای به هم پیوسته تصور نمود، از طریق رویه‌ی عقلایی برنامه‌ریزی و دور اندیشی نظام یافته و یکپارچه. **برنامه‌ریزی جامع یعنی برنامه‌ی نظام دار، همخوان و متوازن.** برنامه‌ریزی جامع نه فقط به ارقام کلی، بلکه به جزئیات مشخص، از جمله پروژه‌های کاملاً مهیا شده نیاز دارد.

ب) برنامه‌ریزی غیر جامع (جزئی) : یعنی «تهیه‌ی برنامه و اجرای بعضی فعالیت‌های اقتصادی و صنایع کلیدی و یا فهرستی از پروژه‌های عمرانی به ترتیب اولویت». برنامه‌ریزی جامع و غیر جامع، بدون پروژه‌های عمرانی مشخص، بی‌تأثیر و یا بی‌معنی خواهد بود. به نظر "واترسون"، «**کمبود پروژه‌های خوب و مهیا شده**» مشخصه‌یی همگانی در تجربه‌ی برنامه‌ریزی کشورهای کمتر توسعه یافته و مانعی مهم در راه اجرای برنامه‌های توسعه است. در برنامه‌ریزی غیر جامع، از برنامه‌ریزی بدون پروژه بهتر می‌توان خودداری کرد زیرا در تعداد نسبتاً زیادی از برنامه‌های غیر جامع، فقط فهرستی از پروژه‌های عمرانی دارای اولویت است، در حالی که اجرای پروژه‌های عمرانی چندین سال طول می‌کشد.

منظور از طول بخشی: توصیف مدلی است که نشانگر فعالیت‌های بخش خاصی باشد. در هر بخش طرح‌ها و پروژه‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام برای یک منطقه یا تعدادی از آن‌ها تهیه و تدوین می‌شود که مجموعه‌ی آن‌ها **اقتصاد ملی** را تشکیل می‌دهد.

انواع برنامه‌ریزی از نظر سطوح برنامه‌ریزی (براساس پیچیدگی ساختاری و کاربرد خاص آن) :

این تقسیم‌بندی را می‌توان به طول کامل نیز انجام داد.

الف) برنامه‌ریزی کلان (مدل کلان یا کلی) : برنامه‌ریزی در این سطح بر حسب اجزای کلی تشکیل دهنده‌ی موضوع برنامه‌ریزی رسیدگی می‌شود. به عبارت دیگر مدل کلان یا کلی، «غالباً فقط تقریب اولیه‌ی خامی از مسیرهای کلی که یک اقتصاد می‌تواند در پیش گیرد را به دست می‌دهد». این برنامه‌ریزی به ندرت جنبه‌ی عملیاتی پیدا می‌کند، بلکه در بیشتر موارد آینده‌نگری اجزای کلی هنگام تدوین برنامه‌ی جامع توسعه، صرفا چارچوب کلی یا مرحله‌ی ابتدایی را به دست می‌دهد و در برنامه‌ریزی کلان نیازی به وارد کردن متغیرهای زیاد نمی‌باشد.

ب) برنامه‌ریزی بخشی (در سطح بخش) : فرایند تنظیم روند تغییرات حال و آینده‌ی یک بخش معین اقتصادی و اجتماعی در چارچوب هدف‌های ملی است، یعنی مجموعه‌ی بخش‌های برنامه‌ریزی کلی یا ملی کشور را تشکیل می‌دهد و مسئولیت اجرای برنامه‌ی هر بخش به عهده‌ی یک دستگاه اجرایی است.

برنامه‌ریزی بخشی دو روش متفاوت در برنامه‌ریزی توسعه را شامل می‌شود:

۱. اقتصاد را به چند بخش اصلی (کشاورزی، غیرکشاورزی و...) تقسیم می‌نماید تا برنامه‌ی کلی را بر پایه فعالیت‌های هماهنگ شده‌ی این بخش‌های اساسی تدوین کند. این روش را «**مدل برنامه‌ریزی کامل بخش اصلی**» می‌نامند.

۲. برنامه‌ریزی بخشی در یک بخش منفرد متمرکز شود، نه در کل اقتصاد ملی به عنوان وجودی یگانه یا ترکیبی از چند بخش اصلی. این را «**مدل پروژه‌ی تک بخشی**» می‌نامند. در رابطه با این برنامه‌ریزی تقسیم بندی:

A) بخش‌های منطقه‌یی: بخش‌های اقتصادی که محصولات تولیدی آن‌ها را به دلیل عدم قابلیت حمل و نقل و هزینه زیاد نمی‌توان به مناطق دیگر حمل نمود.

B) بخش‌های ملی: محصولات تولید شده را نمی‌توان به خارج از کشور صادر نمود.

C) بخش‌های بین‌المللی: محصولات تولید شده را می‌توان به خارج از کشور صادر نمود.

منظور از مدل‌بخشی، توصیف مدلی است که نشانگر فعالیت‌های بخش خاصی باشد. در هر بخش، طرح‌ها و پروژه‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام برای یک منطقه یا تعدادی از مناطق تهیه و تدوین می‌شود که مجموعه‌ی آن‌ها اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهد.

ج) **برنامه‌ریزی طرح یا پروژه:** منظور از طرح، مجموعه‌یی از عملیات مشخص و وابسته است که با هزینه‌یی معین در یک دوره‌ی زمانی معین، برای رسیدن به یک هدف معین انجام می‌گیرد؛ و منظور از پروژه، مجموعه عملیاتی است که در یک زمان معین با صرف منابع (یعنی به منظور تولید اقتصادی، اجتماعی و...) انجام می‌شود که از طرح جزئی‌تر می‌باشد. لذا هر طرح از چند پروژه تشکیل شده است. در برنامه‌ریزی طرح یا پروژه غالباً موارد زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱. مجموعه‌ی خدمات و عملیات معین که مورد نیاز است، از نظر مالی و فنی محاسبه می‌شود.

۲. زمان و مدت اجرای طرح مشخص می‌شود.

۳- طرح براساس اهداف برنامه‌ی کلی تدوین می‌شود.

۴. ریز برآورد هر طرح انجام می‌گیرد، لذا **هزینه‌های طرح**، معیاری برای سنجش اقتصادی بودن و یا ارزیابی میزان سودمندی آن می‌باشد.

«سازمان ملل متحد، سازمان خوار و بار کشاورزی، سازمان بهداشت جهانی و سازمان همکاری توسعه‌ی اقتصادی، در کاربرد برنامه‌ریزی در سطح جهانی هستند.»

- تقریباً تمام کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با «**برنامه‌ریزی در سطح ملی**» سرو کار دارند. (برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.)

انواع برنامه‌ریزی از لحاظ پوشش یا حوزه‌ی جغرافیایی

الف) برنامه‌ریزی ملی: در این نوع برنامه‌ریزی، دولت مرکزی موظف به تنظیم برنامه است و دراین رابطه از کلیه‌ی امکانات و منابع موجود کشور برای تحقق توسعه‌ی اقتصادی سریع و در سطح کشور استفاده می‌کند. این برنامه‌ریزی می‌تواند ارشادی یا دستوری و یا مختلط باشد و همچنین به اعتبار زمان، بلندمدت و میان مدت و کوتاه مدت است.

برنامه‌ریزی‌های ملی در قالب برنامه‌ریزی‌های منطقه‌یی دارای تقسیم بندی‌های زیر است:

۱. برنامه‌ریزی در سطح استان
۲. برنامه‌ریزی در سطح شهرستان
۳. برنامه‌ریزی در سطح دهستان
۴. شهر
۵. روستا

* برنامه‌ریزی میان سطحی شامل:
  ۱. برنامه‌ریزی منطقه‌یی
  ۲. برنامه‌ریزی پروژه‌یی
* برنامه‌ریزی منطقه‌یی شامل:
  ۱. برنامه‌ریزی روستایی
  ۲. برنامه‌ریزی شهری

۳. برنامه‌ریزی پروژه‌یی

* برنامه‌ریزی در سطح محلی شامل:

۱. برنامه‌ریزی شهر

۲. برنامه‌ریزی روستا (جامع، کلان، بخشی، میان منطقه‌یی، پروژه‌های عظیم)

ب) برنامه‌ریزی بین‌المللی: برای تحقق توسعه‌ی اقتصادی و بهره‌برداری لازم از کلیه‌ی امکانات نیاز به همکاری کشورها با یکدیگر نیز می‌باشد.

ج) برنامه‌ریزی منطقه‌یی: فرایندی است در جهت تنظیم و هماهنگ کردن برنامه‌های مختلف اجتماعی- اقتصادی یا نیازها و امکانات محلی و منطقه‌یی؛ در این برنامه‌ریزی چون مشارکت مردم مطرح است می‌توان آن را برنامه‌ریزی از پایین به بالا در جهت انطباق برنامه‌های کلان یا ویژگی‌های ناحیه‌یی دانست. در برنامه‌ریزی از دیدگاه حوزه‌ی جغرافیایی ممکن است به دلایلی برای هر یک از مناطق برنامه‌یی تهیه شود که از تلفیق این برنامه‌ها، برنامه‌ی کشور به وجود می‌آید. در برنامه‌ریزی منطقه‌یی هدف، ۱- استفاده‌ی بهینه از منابع منطقه؛ ۲- برطرف نمودن عدم تعادل‌های منطقه‌یی. در برنامه‌ریزی منطقه‌یی می‌توان از اجزای کوچک‌تری مانند برنامه‌ریزی محلی نیز استفاده نمود که در این صورت برنامه‌ریزی دقیق‌تر خواهد شد

برنامه‌ریزی شهری: با توجه به اقتصاد و عملکرد عوامل شهری، نحوه‌ی استفاده از اراضی، محله‌بندی، مسکن، ترافیک فضای سبز و غیره در رابطه با جمعیت و فونکسیون شهر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

انواع برنامه‌ریزی از لحاظ هدف

۱. برنامه‌ریزی توسعه: هدف اصلی، به کار انداختن منابع موجود و بالقوه‌ی کشور در جهت توسعه‌ی اقتصادی سریع است. دراین برنامه‌ریزی، «دولت» سهم تعیین کننده‌یی دارد و مسئولیت «تهیه و تنظیم و اجرای برنامه‌ی توسعه» را بر عهده دارد.

برنامه‌ریزی توسعه به اعتبار دیدگاه و زمینه‌ی بررسی به انواع زیر تقسیم می‌شود:

۱-برنامه‌ریزی اقتصادی

۲-برنامه‌ریزی فضایی

و همچنین به اعتبار جامعیت به این دو نوع بخش می‌شود:

- برنامه‌ریزی جامع
- برنامه‌ریزی غیر جامع

و به اعتبار وسیله عمل به سطوح ملی و منطقه‌یی تقسیم می‌گردد:

الف) برنامه‌ریزی اقتصادی توسعه: فرایند توسعه‌ی هماهنگ بخش‌های مختلف اقتصادی را با هدف برقراری تعادل و هماهنگی‌های لازم بین بخش‌های مختلف اقتصادی در جهت تحقق اهداف توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی در دوره‌ی زمانی معینی شامل می‌شود. در این برنامه‌ریزی بیشتر توسعه‌ی بخش‌های اقتصادی مورد نظر است.

ب) برنامه‌ریزی فضایی: این برنامه‌ریزی مکمل برنامه‌ریزی اقتصادی توسعه است. لذا این برنامه به مثابه یک منبع تلقی می‌شود و معمولاً نتیجه‌ی این برنامه‌ریزی، «**تخمین بهینه‌ی فضا بین فعالیت‌های مختلف**» براثر تعیین قابلیت‌های مناطق در دوره‌ی زمانی معین می‌باشد. این برنامه‌ریزی «**بلندمدت**»، اهداف و سیاست‌های توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی ملی را دنبال می‌کند و در همه‌ی موارد استراتژی نظامی، سیاسی و توسعه‌ی جمعیتی دولت را مد نظر قرار می‌دهد.

برنامه‌ریزی فضایی توسعه، «**غیرمتمرکز**» است و توزیع جغرافیایی اصولی و منطقی نیروی کار و تخصیص منابع تولید در زمره‌ی وظایف اساسی این برنامه‌ریزی است. برنامه‌ریزی فضایی جزء لاینفک برنامه‌ریزی جامع توسعه و از اصول آن می‌باشد.

۲. برنامه‌ریزی فیزیکی: برنامه‌ریزی مربوط به ساختار فیزیکی منطقه است (کاربری زمین، ارتباطات، تأسیسات، تجهیزات و...) . این نوع برنامه‌ریزی ریشه‌های خود را در میان مقررات و مکانیزم کنترل شهری دارد که قابلیت مکانیزم بازار را در رابطه با توسعه‌ی فوق پشت سر می‌گذارد.

۳. برنامه‌ریزی اختصاصی: به هماهنگی برای حل و فصل مشکلات مربوط می‌شود، با تضمین این‌که سیستم موجود به صورت مؤثری برطبق خط مشی‌های تکاملی در جهت توسعه و تنظیم جامعه از میان زمان بگذرد.

۴. برنامه‌ریزی ابداعی: بیشتر پیشرفت و توسعه‌ی کلی از طریق ارائه‌ی اهداف جدید و کوشش در طریق برنامه‌ریزی تغییرات کلی مورد توجه و هدف است؛ از این جهت گاهی آن را «**برنامه‌ریزی توسعه و عمران**» نیز می‌گویند.

۵. برنامه‌ریزی ارشادی و اجباری: برنامه‌ریزی ارشادی فقط خطوط هدایتی عمومی و توصیه‌یی را در بر می‌گیرد، درحالی که برنامه‌ریزی اجباری یا دستوری، مقررات قابل اجرای مشخص و قاطعی را ارائه می‌دهد.

***برنامه‌ریزی ناحیه‌یی:** برنامه‌ریزی ناحیه‌یی با توان‌های محیط طبیعی (شکل ناهمواری، جنس خاک، آب و مواد..) درارتباط نزدیک است و همین **توان‌های زیست محیطی (جغرافیایی)** است که ظرفیت و سطح امکان پذیرش برنامه‌های عمران ناحیه‌یی را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر آشنایی با «**توان‌های محیطی و انسانی ناحیه‌یی**» است که راه حل‌های ممکن را در زمینه‌ی برنامه‌ریزی عمران ناحیه به دست می‌دهد. **جغرافی‌دان** به سازگاری نوع برنامه‌های عمرانی با ویژگی‌های جغرافیایی می‌اندیشد و حداکثر ظرفیت تولیدی ناحیه را در فعالیت‌های گروه‌های مختلف مشاغل اجتماعی تعیین می‌کند و عوامل بنیادی عمران را به مسئولان سیاست اقتصادی یادآور می‌شود. «جغرافی‌دان در برنامه‌ریزی عمران ناحیه‌یی» به عنوان برنامه ریز نقشی ندارد، بلکه به انطباق طرح‌های اجرایی با محیط‌های جغرافیایی و به نتایج تلفیق نظرات کارشناسان نظامات علمی مختلف، که هر یک از زاویه‌ی معینی به برنامه‌ریزی عمران نواحی می‌نگرند، توجه دارد. بنابراین کارشناسان جغرافیا به تبع کلیه‌ی امکانات و ویژگی‌های جغرافیایی ناحیه در «**توزیع هماهنگ برنامه‌های عمرانی**» گام بر می‌دارند.

- هجوم برنامه‌های از پیش اندیشیده شده از طریق محققین سایر رشته‌ها به ویژه جامعه شناسان، آن‌چنان جغرافی‌دانان و یا کارشناسانِ مشغول به امر برنامه‌ریزی (برنامه‌ریزی ناحیه) را به خود مجذوب کرده که بحث روابط متقابل انسان و محیط را، که ذات جوهره‌ی علم جغرافیا است، فراموش کرده‌اند و به نظر می‌رسد که نقش عوامل محیطی در برنامه‌های توسعه قدری در پیش کارشناسان جغرافی مهجور مانده است.
- ذات و جوهره‌ی علم جغرافیا، «روابط متقابل انسان و محیط» است که در برنامه‌ریزی ناحیه‌یی به نحو بارزی نمود دارد.
- هر چشم انداز جغرافیایی مرکب از سازندهای اصلی و بنیادی زیر می‌باشد:

۱. سازند طبیعت و محیط (زیست محیطی)

۲. سازند انسان و جوامع انسانی (جمعیت)

۳. سازند فعالیت (رفتارهای اقتصادی انسان در طبیعت)

۴. سازند کالبد (یعنی آنچه به عنوان نمود فضایی حامل از روابط متقابل انسانی، تکنیک، مدیریت و محیط ایجاد می‌شود.)

* بررسی سازند طبیعت و محیط در محدوده و قلمرو مطالعات جغرافیایی ناحیه‌یی قرار دارد.

لازمه‌ی توسعه‌ی پایدار، توجه جدی به مسأله‌ی «محیط زیست» است و لازمه‌ی توسعه‌ی ناحیه‌یی و متعاقب آن، توسعه‌ی پایدار ناحیه‌یی، توجه جدی به توان‌ها و استعدادهایی است که محیط نشان می‌دهد و یا به عبارتی دیگر توجه به تنگناهایی است که زمینه‌های توسعه‌ی ملی و یا منطقه و یا ناحیه‌یی را با مشکل مواجه می‌سازد.

دکتر یدالله فرید، مطالعات ناحیه‌یی با عنوان «ناحیه: محدوده‌ی فضایی برای تحقیقات جغرافیایی» و «آقای دکتر اصغرنظریان» با عنوان «سیر تحولات مفاهیم و پژوهش‌های ناحیه‌یی در جغرافیا» انجام داده‌اند که می‌توان گفت نقطه‌ی عطفی است که در مطالعات ناحیه‌یی و شناخت ناحیه‌ی جغرافیا از دیدگاه برنامه‌ریزی و جغرافیایی می‌باشد.

- **لزوم توجه به عرصه‌های «نواحی روستایی و شهری» سرزمین و عرضه‌ی خدمات مناسب به آن‌ها به دلایل:**

۱. گسترش فعالیت‌ها

۲. ساماندهی صحیح جمعیت در نواحی مختلف

۳. هموار ساختن سیر حرکت به سوی تعیین چارچوب‌های مناسب برنامه‌ریزی ناحیه‌یی در سطح ملی

«**مطالعات جغرافیایی و ناحیه‌یی**»، اساسی‌ترین و شاید بیشترین نیازهای برنامه‌ریزی فیزیکی و ناحیه‌یی را برآورده می‌سازد و زمینه ساز توسعه‌ی اجتماعی – اقتصادی ناحیه می‌شود و در حل مسایل توفیق می‌دهد. هر زمان که این مطالعات در جهت حل مسائل، ارائه‌ی پیشنهادات و آینده‌نگری همراه باشد، به عنوان «تحقیق جغرافیای کاربردی» شناخته می‌شود. در حقیقت **مطالعات ناحیه‌یی** زمینه ساز و زیربنای برنامه‌ریزی ناحیه است. مطالعات ناحیه‌یی، توان‌های محیطی و انسانی و معیشت کنش و واکنش‌ها و درک تمام سطوحی که در **اقتصاد ناحیه** مؤثر واقع می‌شود را بررسی می‌کند و یا به عبارت دیگر مطالعات ناحیه‌یی، شناسایی مجموع ویژگی‌های محسوس ناحیه می‌باشد که در ارتباط با همدیگر قرار گرفته است. در صورتی که برنامه‌ریزی ناحیه‌یی با توجه به همین شناسایی در ارتباط با نیازهای آینده و تأمین هدف مشخص با توجه به سیاست‌ها و خط مشی‌های تعیین شده‌ی ملی و ناحیه‌یی، اقتصادی و اجتماعی است که ناحیه یا نواحی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

«تحلیل‌های منطقه‌یی یا ناحیه‌یی، اصولاً با زیربنایی اقتصادی و موضوعی و در اکثر موارد انتزاعی است». در مفهوم کلی، ناحیه، «آزمایشگاه – جغرافیا» و مطالعات ناحیه‌یی، کاربرد همه‌ی شاخه‌های علم جغرافیا از جمله برنامه‌ریزی در مکان خاص می‌باشد.

خلاصه فصل

برنامه، گاهنامه‌ی تصمیمات منظم براساس سلسله مراتب عملیات یا هر فرآیند دارای سلسله مراتب در یک ارگانیسم که بتواند نظم و مترادف اجرایی را کنترل کند، می‌باشد.

تعریف کلی از برنامه‌ریزی: «روندی است برای تغییر هدفمند و یک واکنش منظم و با قاعده که برای حل مسائل موجود در یک سیستم اجتماعی و دستیابی به یک سری اهداف جهت ایجاد دگرگونی و بهسازی آینده‌ی آن سیستم استفاده می‌شود.

نظام برنامه‌ریزی عبارتست از «مکانیزم مشارکت نهادها و دستگاه‌های مختلف دولتی و غیردولتی در روند تصمیم‌گیری‌های امور توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور».

مدل برنامه‌ریزی: مدلی ریاضی است که به منظور نشان دادن سیرصعودی و بیان کمّی و ویژگی‌های عمده‌ی ساخت اقتصادی یک کشور به خصوص، طراحی می‌گردد. مدل‌های برنامه‌ریزی، اساس کمّی و تحلیل اغلب برنامه‌های توسعه‌ی ملی و منطقه‌یی را فراهم می‌کند.

تست‌های آخر فصل

۱. **اولین و مقدماتی‌ترین مدل برنامه‌ریزی، که تقریباً در هر کشور در حال توسعه‌یی به کار می‌رود کدام مدل است؟**
۱) مدل هارود- دومار ۲) مدل رشد کلی ۳) گاتمن ۴) مدل فن تونن

---

۲. **هیچ برنامه‌ریزی علمی ممکن نیست مگر این‌که کدام یک از موارد زیر وجود داشته باشد؟**
۱) فراهم شدن شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی ۲) واقعیت‌گرایی برنامه
۳) داشتن یک برنامه‌ی استراتژیک ۴) مشخص کردن جنبه‌های قابل اندازه‌گیری هر برنامه

---

۳. **کدام‌یک از انواع برنامه‌ریزی‌های زیر کامل‌ترین برنامه‌ریزی توسعه محسوب می‌شود؟**
۱) برنامه‌ی میان مدت ۲) برنامه‌ریزی غیرجامع ۳) برنامه‌ریزی جامع ۴) برنامه‌ریزی کوتاه مدت

---

۴. **در برنامه‌ریزی توسعه کدام مورد هدف اصلی محسوب می‌شود؟**
۱) هماهنگی برای حل و فصل مشکلات مربوط ۲) تخصیص بهینه‌ی فضا
۳) مشخص‌کردن حوزه‌ی شمول برنامه ۴) به کار انداختن منابع بالقوه در جهت توسعه‌ی اقتصادی سریع

---

۵. **به کدام‌یک از موارد زیر در برنامه‌ریزی توسعه (عمران) نیز می‌گویند؟**
۱) برنامه‌ریزی فیزیکی ۲) برنامه‌ریزی اقتصادی توسعه ۳) برنامه‌ریزی ابداعی ۴) برنامه‌ریزی اقتصادی

---

۶. **در برنامه‌ریزی منطقه‌یی، برنامه‌ریزان بیشتر به فکر کدام‌یک از موارد زیر هستند؟**
۱) توسعه‌ی هماهنگ بخش‌های مختلف اقتصادی ۲) استفاده‌ی بهینه از منابع و بر طرف نمودن عدم تعادل‌های منطقه‌یی
۳) سعی در ایجاد مشارکت زیاد مردم ۴) توجه به اقتصاد و عملکرد عوامل شهری

---

۷. **لازمه‌ی توسعه‌ی پایدار کدام مورد است؟**
۱) تعیین کردن چهارچوب‌های مناسب ۲) توجه به عرصه‌های نواحی روستایی و شهری
۳) توجه جدی به مسئله‌ی محیط زیست ۴) ساماندهی صحیح جمعیت

---

۸. **کدام یک از موارد زیر اساسی‌ترین و شاید بیشترین نیازهای برنامه‌ریزی فیزیکی و ناحیه‌یی را برآورده می‌کند؟**
۱) برنامه‌ریزی اقتصادی توسعه ۲) مطالعات جغرافیایی و ناحیه‌یی
۳) برنامه‌ریزی بین‌المللی ۴) برنامه‌ریزی فضایی

---

۹. **کدام‌یک از انواع برنامه‌ریزی‌های زیر عملی‌تر و دقیق‌تر است؟**
۱) برنامه‌ی دراز مدت ۲) برنامه‌ریزی عمومی ۳) برنامه‌ی کوتاه مدت ۴) برنامه‌ریزی جامع

---

۱۰. **در برنامه‌ریزی‌های توسعه از طرف کارشناسان جغرافیا نقش کدام عامل زیر تا حدی مهجور مانده است؟**
۱) نقش عوامل محیطی ۲) نقش عوامل اقتصادی ۳) نقش عوامل انسانی ۴) نقش عوامل فرهنگی

پاسخ تست‌های آخر فصل

۱- گزینه «۲»

۲- گزینه «۱»

۳- گزینه «۳»

۴- گزینه «۴»

۵- گزینه «۳»

۶- گزینه «۲»

۷- گزینه «۳»

۸- گزینه «۴»

۹- گزینه «۳»

۱۰- گزینه «۱»

فصل دوم

مباحث اصلی

هرچند ناحیه در مطالعات ناحیه‌یی از زمان «استرابون و بطلمیوس» تا زمان ما (حداقل ۲۰ قرن) مورد بحث جغرافی‌دانان بوده، ولی به نظر جغرافی‌دانان نامفهوم مانده است یعنی جایگاه خود را در مطالعات جغرافیایی و برنامه‌ریزی کشورمان نیافته است. (باوجود تلاش در شناساندن آن) .

"اولیویه دلفوس" می‌گوید: «فضای ناحیه‌یی بخش معمول و بی‌اهمیت از سطح کره‌ی زمین نیست.»

"لوی اشتروس" می‌گوید: «این انتظامی کم اهمیت در قلمروهایی کم اهمیت به حساب نمی‌آید.»

"فرهنگ لاروس" در تعریف «ناحیه» می‌گوید: " ناحیه وسعت زمینی از کشور است که وحدت آن ناشی از داده‌های فیزیکی(آب و هوایی، ناهمواری و ...) یا انسانی است."

"فرهنگ ربر" در تعریف ناحیه می‌گوید: ناحیه قلمرو بالنسبه گسترده‌یی است که به تبع ویژگی‌های جغرافیایی و جامعه‌شناسی از چنان وحدتی برخوردار است که آن را از نواحی مجاور یا مجموعه‌یی که ناحیه را در میان گرفته است، متمایز می‌سازد.»

- "ماکسیمیلین سور": «ناحیه فضای گسترش چشم انداز است.»
- به نظر "لوئیز مامفورد"، ناحیه یک واحد جغرافیایی است که بین «قاره و روستا» قرار می‌گیرد.
- "ژان گاتمن" مثل برخی از جغرافی‌دانان، از دیدگاه برنامه‌ریزی، «ناحیه» را ساخته و پرداخته‌ی «عملکرد سیاسی آمایش ناحیه‌یی» می‌داند و از دیدگاه او «ناحیه مجموعه‌یی است که انسان‌ها آن را می‌سازند و یا به تخریب می‌کشانند.»
- اصطلاح «ناحیه» به نظر جغرافی‌دانان ایران، «به بخش‌ها یا واحدها و یا مکان‌های مرکزی موجود در روی کره زمین اطلاق می‌شود که دارای هماهنگی در یک یا چند خصوصیت مشترک، که می‌تواند مبتنی بر عوامل جغرافیایی طبیعی و زیستی و یا جغرافیای انسانی تلقی شود، باشد.»
- «ناحیه‌بندی یک کار کاملاًجغرافیایی است».
- در سال‌های اخیر برخی **جغرافی‌دانان فرانسوی** سعی کرده‌اند با استفاده از ابعاد آماری و کمّی و **مقیاس‌های قراردادی** تعیین شده، ناحیه را مشخص و تعریف کنند، از آن‌جمله «روژه برونه»، ناحیه را مکانی با وسعت حدود ۱۰۴ کیلومترمربع شناخته و مقیاس نقشه‌ی مورد مطالعه‌ی ناحیه را از $\frac{۱}{۲۰۰/۰۰۰}$ تا $\frac{۱}{۱۰۰/۰۰۰}$ تعیین کرده است

ا.ژوئیار در مطالعات خود برای هر ناحیه، مرکزی درنظر می‌گیرد که حوزه‌ی عمل آن ۱۲۵ کیلومتر است که همین حوزه‌ی عمل می‌تواند فضایی تا وسعت ۵۰ هزار کیلومتر مربع را زیر پوشش ناحیه داشته باشد. در نهایت ژوئیار وسعت ۱۰ تا ۳۵ هزار کیلومتر مربع را که جمعیت آن معادل ۳ تا ۶ برابر مادرشهرِ همان فضا باشد، ناحیه می‌داند. از نظر «پیر ژرژ»، فضای مناسب برای هر ناحیه بین ۱۰ تا ۷۵ هزار کیلومترمربع می‌باشد؛ و "ژاک بودویل" ناحیه را با

وسعتی بین ۳۰ تا ۴۰ هزار کیلومتر مربع و با جمعیتی از ۴ تا ۵ میلیون نفر می‌شناسد؛ و بالاخره "ژان لاباس"، معیار میانگین ایده‌آل برای ناحیه را با۵۰ هزار کیلومتر مربع و ۵ میلیون نفر جمعیت تعیین می‌کند.

- منطقه از ناحیه بزرگتر می‌باشد؛ ناحیه از نظر جغرافیایی کوچک‌تر از روستا- شهر و حوزه‌ی نفوذ آن است و نه بزرگ‌تر از یک استان یا گروهی از استان‌های کوچک‌تر. در نظر آورد.
- فضای ناحیه‌یی، بخشی سازمان یافته از فضا است که در مجموعه‌یی وسیع‌تر از خود جای می‌گیرد؛ این تعریف ابهام آمیز است!

هر برش یا قطعه‌یی از فضای زمین که در نهایت با تجمع و ترکیب داده‌ها همگون باشد ← ناحیه.

Biotope محیط زیستی معین است که برای یک جمعیت حیوانی و یا گیاهی معین شرایط نسبتاً ثابتی را فراهم آورد.

اغلب جغرافی‌دانان فرانسه از جمله پیر ژرژ، برنارد کایزه و میشل روشفور، در تعیین و تشخیص «ناحیه» بیش از هر چیز بر مفهوم سازماندهی متکی‌اند و به باور ایشان زمانی ناحیه ساخته می‌شود که ساخته و قطبی شده است. از نظر این جغرافی‌دانان ناحیه «وابسته به قطب‌های سازنده» است و با خطور «شکبه‌های شهر» هویت می‌یابد و از همین لحاظ است که پیر ژرژ در اغلب نوشته‌های خود با صراحت تمام می‌نویسد، «شهر، ناحیه را می‌سازد».

- مفهوم وحدت جغرافیایی: «همگونی و تشابه عوامل طبیعی یا انسانی یا اقتصادیِ مؤثر، در طبیعت و حیات آن قلمرو نهفته است».
- عوامل مهم در تشیخص انواع «ناحیه» و شناخت حدود و مرزهای آن:

۱. عده‌یی از پژوهشگران «ویژگی‌های طبیعی » را شاخص و اساس مرزبندی نواحی قرار داده‌اند که «ناهمواری‌ها» بیش‌تر از همه کاربرد دارد.

۲. عده‌یی نیز براساس «شاخص‌های انسانی و اقتصادی» نواحی را از یکدیگر مشخص و مرزبندی می‌نمایند.

ویژگی‌های طبیعی شامل (ساختمان زمین، ناهمواری‌ها، آب و هوا، پوشش گیاهی، حیات جانوری، نوع کشت و..)

ویژگی‌های انسانی و اقتصادی (حمل و نقل و ارتباطات، شکل استقرار انسانی، تراکم جمعیت، عامل سیاسی....)

- در یک سطح کلان و در سطح بین‌المللی و ملی می‌توان نواحی عمده‌ی زیر را تشخیص داد:

۱. نواحی طبیعی (تکنولوژی)

۲. نواحی اقتصادی (تولیدی)

۳. نواحی انسانی

- بطور کلی ارزش و اهمیت هر ناحیه‌ی جغرافیایی به سه عامل بستگی دارد:

۱. وسعت

۲. شکل

۳. نقش

- تنش ناحیه بیش از خود ناحیه در معرض تغییرات و تحولات فرهنگی قرار می‌گیرد.
- «یوهان هنریک فن تونن» درآلمان متولد شد. او در نظر داشت با توجه به روابط شهر و روستا به قوانین حاکم بر تولیدات کشاورزی دست یابد. او در سال ۱۸۲۲ کتاب ارزشمند خود، «ایالت منفرد»، را منتشر ساخت. نظریه‌ی فن تونن اساس همه نظریه‌های مکانی در زمینه‌های اقتصاد است. با توجه به نظریه‌ی فن تونن در «کاربری زمین»، هنگام ارتباط شهر با روستا، دریک ناحیه‌ی جغرافیایی چند «خرده ناحیه» تشخیص داده می‌شود که در مطالعات اجتماعی – اقتصادی ناحیه‌یی بسیار مهم می‌باشند:

۱. در خرده ناحیه‌ی اول، تولیدات لبنی و سبزیجات تازه تهیه می‌شود (نزدیک‌ترین بخش به شهر) - (باغبانی)

۲. در دومین خرده‌ی ناحیه، تولیدات چوب و الوار (جنگل کاری) برای تأمین سوخت.
۳. در کمربند سوم، سه خرده ناحیه قابل تشخیص است که در آن کشت چاودار، سیب‌زمینی، جو و ماشک صورت می‌گیرد
۴. در خرده ناحیه‌ی چهارم، زراعت عمقی کم‌تر انجام می‌شود. کشاورزان گردش محصول ۷ ساله دارند. مزارع یک سال برای کشت جو، چاودار، یکسال یولاف و سه سال برای چراگاه مرتع و سرانجام یک‌سال به آیش گذاشته می‌شود. تولیداتی که از این خرده ناحیه به بازار و شهر صادر می‌شود، عبارتست از: چاودار، کره، پنیر و دام‌های زنده.
۵. در خرده ناحیه‌ی پنجم، $\frac{۱}{۳}$ زمین به تولید محصول اختصاص می‌یابد و $\frac{۱}{۳}$ آن زیر پوشش چراگاه مراتع قرار می‌گیرد و بقیه‌ی زمین به حالت آیش است.
۶. دورترین خرده ناحیه، کمربند ششم، به دامداری اختصاص دارد زیرا فاصله‌ی این بخش از بازار زیاد است و پرورش دام و تولید کره و پنیر به صرفه‌ی اقتصادی نزدیک‌تر است و گندم سیاه برای خود کشاورزان کشت می‌شود.
فن تونن در نظریه‌ی خود به عوامل تعدیل‌کننده و تغییر دهنده نیز اشاره می‌کند.

ابهامات و کم و کاست‌های نظریه فن تونن

۱. از سال ۱۸۲۶ که نظریه‌ی خود را مطرح کرد تا به حال بسیاری از عوامل به ویژه وسایل حمل و نقل و هزینه‌ی مربوط به آن تغییر کرده است، با وجود این در مطالعه‌ی روابط شهر و روستا نظریات او همواره باید در نظر گرفته شود.
۲. امروزه توسعه‌ی سریع تکنولوژی تغییرات بسیاری به وجود آورده و لازم نیست تهیه‌ی الوار برای سوخت در مجاورت بازار صورت گیرد.

منطقه

یکی از بزرگ‌ترین مشکلات در برنامه‌ریزی منطقه‌یی، تعریف منطقه و محدوده و قلمرو آن می‌باشد. ساده‌ترین تعریف منطقه از «هیران دی» است که «منطقه، زیر بخش کشور است». معمولاً دو یا سه ناحیه تعریف می‌شود، یا مثلاً تقسیم‌بندی کشورمان به حوضه‌های آبریز و زیر حوضه‌ها که در سال‌های اخیر صورت گرفته است. در مطالعات جامع آب کشور، واحدهای مطالعاتی به صورت: ۱-حوزه‌ی ملی ۲- حوضه‌ی فرعی آبریز ۳- دشت‌ها
تقسیم شده است؛ به عبارت دیگر مطالعات انجام شده در هر بخش و از جمله بخش کشاورزی به تبعیت از حوزه‌های آبریز (منابع آب) انجام شده است.

- «**مناطق همگن**» با توجه به دورنمای «عوامل پایدار» تعریف می‌شود، در حالیکه «مناطق تابعی» با «عوامل پویا». ام. اچ. گویال معتقد است «منطقه از نظر عملیاتی، راحت‌ترین و از لحاظ اقتصادی، با صرفه‌ترین واحد مکانی بخشی و یا زمینی برای تخمین منابع است که در آن هدف، برنامه‌ریزی به منزله‌ی رشد اقتصادی و رفاه می‌باشد».
- "رابرت دیکنسن" معتقد است که مناطق را باید با خصوصیات و عملکرد آن‌ها شناخت و تعریف کرد.
- **منطقه:** عبارتست از فضای یک کشور و یا کره‌ی زمین که عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی، آن را از محیط اطرافش متمایز نموده و فضایی همسان به‌وجود آورده است.
- "هربرستون" می‌گوید: «منطقه مجتمعی از زمین، آب، هوا، گیاه، حیوان و انسان است که در آن، همچنانکه بخش مشخصی از زمین را تشکیل می‌دهند، ارتباط مکانی و فضایی با یکدیگر دارا می‌باشند.»

منطقه از هر دیدگاه (اقتصادی – اجتماعی، فرهنگی و...) که به وسیله‌ی متخصص تعریف شود باید دو جنبه‌ی اصلی در آن مورد توجه باشد:

۱. فضا و محدوده‌هایی از سرزمین را در برگیرد.
۲. در یک‌سری ویژگی‌ها، وجه اشتراک وجود داشته باشد.

رابرت دیکنسن معتقد است که همسانی یک مکان برای تعریف و توجیه یک منطقه کافی نیست بلکه بیشتر «همسانی عملکرد و ویژگی» آن مورد نظر است.

ناحیه‌ی طبیعی: ناحیه‌یی است که مردم آن را از طریق وابستگی‌های متقابلِ ناشی از منافع و علایم مشترک با هم پیوند دهند.

- محدوده‌ی فرهنگی از ترکیب کدام عوامل به وجود می‌آید؟ عوامل اجتماعی و ارگانیک.
- منطقه یک مفهوم قابل انعطاف است که به ناحیه‌یی مداوم از جهت زندگی و «مکانی – محلی» اطلاق می‌گردد که به صورت میانی بین سطوح ملی و شهری قرار می‌گیرد.

منطقه از دیدگاه جغرافی‌دانان: بسته به معیارهایی که برای مرزبندی به کار می‌رود، اگر صرفاً مشخصات طبیعی مورد نظر باشد، «مناطق جغرافیایی طبیعی» و اگر فعالیت‌های اقتصادی، «مناطق اقتصادی». تمام این مناطق به مفهوم «همگن ناحیه‌یی» متکی است. منطقه‌بندی بر پایه‌ی مفهوم «پیوندهای ناحیه‌یی» به جای «همگنی ناحیه‌یی» نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ از این دیدگاه آنچه به یک منطقه هویت می‌دهد، «شبکه‌ی ارتباط‌های درونی آن» است. «بومن» که در تحلیل جغرافیایی سخت به «برداشت منطقه‌یی» گرایش داشت، معتقد است که گروه‌بندی انسان‌ها و مکان‌ها باید براساس «تشابه عملکرد با تشابه محل» انجام گیرد.

- هدف جغرافی‌دان آن است که اوضاع محدودکننده یا اوضاع مهم را در ارتباط با منطقه مطالعه کند و دریافت خود را از یک سو به بررسی‌های طبیعی و از سوی دیگر بر واکنش‌های مناسبات انسانی استوار سازد.

معیارهای گوناگون تقسیم بندی مناطق

۱. منطقه‌ی همگن: منطقه‌ی همسان یا همگن، یک فضای جغرافیایی است که نسبت به یک یا چند متغیر و معیارهای انتخاب شده جهت تعیین منطقه، همگن می‌باشد. تعیین منطقه‌ی همگن براساس «خصوصیات و معیارهای مشترک» می‌باشد.

۲. منطقه‌ی خدماتی: تعیین منطقه‌ی خدماتی براساس خدماتی است که برای آن منطقه‌ی خاص ایجاد می‌شود. ملاک و معیار تشخیص منطقه‌ی خدماتی، تراکم ارتباطات، پارامترهای توزیع در تجارت خارجی و داخلی و... است.

۳. منطقه‌ی قراردادی یا کاربردی: منطقه‌ی قراردادی، محدوده‌ی جغرافیایی است که براساس «سنجه‌های منتخب همنواخت یا همگن» به شمار می‌آید، همچنین منطقه‌ی کاربردی، محدوده‌ی جغرافیایی است که در آن، نوعی «وحدت کاربردی و همبستگی بین اجزاء» مشاهده می‌شود. یک منطقه‌ی کاربردی اغلب شامل واحدهای جمعیتی غیرهمگن است که از نظر عملکرد با یکدیگر در ارتباط نزدیک و متقابل‌اند. مناطق قراردادی یا کاربردی و یا ترکیبی از این دو چارچوب مفیدی را برای تعیین «مناطق برنامه‌یی» فراهم می‌آورند.

۴. منطقه‌ی برنامه‌یی: محدوده‌یی است که در آن، وحدت یا همبستگی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشاهده می‌شود؛ به تعبیر دیگر منطقه‌ی برنامه‌یی محدوده‌یی است که تا آن اندازه وسعت دارد که تغییرات قابل ملاحظه‌یی در توزیع جمعیت و اشتغال درون آن صورت گیرد و در عین حال به اندازه‌یی کوچک است که بتوان همه‌ی مسائل برنامه‌ریزی را در یک جا دید و حل کرد. مناطق برنامه‌یی باید ویژگی‌هایی داشته باشد: ۱- نیروی انسانی مورد نیاز فعالیت‌های اقتصادی منطقه در محدوده‌ی آن قابل تأمین باشد؛ ۲- ساخت اقتصادی نسبتاً همگن داشته باشد؛ ۳- دست کم یک مرکز رشد داشته باشد؛ ۴- دارای وحدت رویه در حل مشکلات و نوعی همگنی و تمرکز در اجرای برنامه‌ها.